

جناب اعزّ اجلّ ملاّ محمّد ملاحظه دارند

باسمه البهیّ الأبھی

این نامه از این عبد حزین غمین بشطر مشفق امین ارسال میشود که ای یار از اغیار رخ عرفان بیوش و در مقابل وجه نگار بگشا از جان بگذر و بذکر جانان در مابین زمین و آسمان بیان بی ستر و کتمان برآر حجاب صمت شقّ نما و سحاب سکون خرق کن لسان ذو الجلال از جهة عرش فرموده که بنویس

ای محمّد عاشق جمال دوست قرار نجوید و در ذکرش اضطبار ننمایید چون سمندر نار شعله در دیار افکند بشأنی که جمیع حجبات و سبحات را از جمیع ذوات محترق و معدوم سازد ای محمّد چنان از خلف ستر و سکون بیرون خرام که جمیع جهانیان از حرکت مهتزّ شده بهیجان آیند بقسمی که جمیع حوریّات مستوره در قمایص سندسیه و جوهریّات افنده محتجبه از غرف ستر و سکون بی حجاب و نقاب بذکر ربّ الأرباب ناطق شوند ای محمّد قسم باسم اعظم که قدرتی ظاهر شده که اگر ایادی رجای جمیع ممکنات یمین اعطایش بلند شود جمیع باکفّ مشرق بیضا از سینای فضل و عنایت کبریا راجع شوند پس کفّ منیره را از جیب امریه باذن خالق بریه بیرون آر و گمراهان وادی نفس و هوی را برضوان قدس ابھی و فردوس عزّ اعلیّ دلالت نما و از فقدان ثابتین و اعراض معرضین محزون مباش چه که بدعاً خلقی مبعوث شوند که قدم انقطاع بر کلّ من فی الأرضین و السموات گذارند و آستین تقدیس بر کلّ ما خلق من الماء و الطّین برافشانند و بی سر و پا بقدم دوست بشتابند

در سنه ستّین ملاحظه نما که چه قدر از ناس بحجبات اشارات که در ظهور قائم از رؤسای قوم در دست بود محتجب بودند و چون ظهور نیر اقدس امنع ارفع ابھی از افق عزّ اعلیّ ظاهر و مشرق گشت خلقی مبعوث شدند که جمیع آن اشارات مشهوره را از صدور محو نمودند و قدم بر صراط عزّ مستقیم بسطان وقار و تسلیم و تسکین گذاردند و بهیچ حجابی محجوب نشدند و بهیچ نهیبی منهیّ و ممنوع نگشتند کذلک یخلق الخلق بسطان امره ولکنّ الثّاس هم لا یعرفون بلکه بشأنی از کلّ شیء منقطع شدند که ذکر خاتم که نصّ کتاب بود بتصریح اتمّ من غیر تلویح بان هم ممنوع نشده بساحت مرفوع و مقام محمود بین یدی سلطان مقصود وارد شدند و حال شهادت میدهند سرّاً و جهراً که نبیّ از اوّل لا اوّل بوده و الی آخر لا آخر خواهد بود حال مشاهده فرما که چه قدرتی ظاهر شد که بصر را از جمیع این کلمات برداشت و بمنظر اکبر دلالت فرمود باری بگل حسد مغلّ چشمه خورشید و اشعه شمس تفرید و تجرید آلوده نشود و از فیض خود ممنوع نگردد زود است عبادی ظاهر شوند که بهیچ عبارتی محتجب نگردند و بهیچ کلماتی از ساذج قدم محروم نمانند

قل یا ملاّ البیان بعد اشراق جمال ذو الجلال فی وسط الزّوال لن ینفع شیء شیئاً ولو یكون اعظم فی الأنظار و اتقل عمّا خلق بالاجهار جز دوست را معدوم و مفقود شمردند و بسطان معلوم توجه نمایند چند سور لأجل آن جناب از سماء قدم نازل شد یکی به عراق ارسال شد و سوره دم بارض ط و همچنین لوح منبع دیگر انشاءالله رسیده و میرسد باری این عبد فانی عرض مینماید که ای جان جانی من و ای طیب دل غمگینم از جان بخروش خروشدنی که جمیع عالم را از نوم غفلت بیدار نماید دیگر تا چه کند قدرت لسانت و آتش قلب منیرت

و در این پوسته که نوشته آن جناب نبود بسیار حزن وارد شد انشاءالله بعد بر خلاف این کرّه معمول دارند و آن لوح که به عراق ارسال شد آن لوح اعظم معهود است که از قبل ذکر شده و بعد فوزک به تشهد بانّه لنفسه دلیل علیه و وصفه ما کان فیه و دونه یعجز عن بیانہ ولو یكون السن الخافقین

لوحی از آقائی آقای آقا میرزا محمد علی ارسال گشت بزیارت آن فائز آیند

۵ شنبه ۱۲ ذی القعدة

خادم البهاء آقا جان

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر